

نقد ترجمه

ترجمه‌ای لرزان از ترس و لرز

□ نویسنده: سورن آبی کرکگور / □ مترجم: دکتر سید محسن فاطمی

■ هادی صادقی

ترس و لرز اثر «کرکگور» اولین کتابی است که از او به فارسی ترجمه می‌شود. در این کتاب نویسنده می‌کوشد مفهوم ایمان و عشق را در مقابل عقل اندیشی، در عمل «قربانی کردن اسماعیل به دست حضرت ابراهیم(ع)» نشان دهد. مجله حوزه و دانشگاه به لحاظ درونمایه دینی کتاب، بر ترجمه آن حساس بود و بدین روی آن را به محک ارزیابی سایید. متن حاضر نقدی است بر ترجمه آقای دکتر سید محسن فاطمی که حاصل کوشش حجة الاسلام هادی صادقی است.

سورن آبی کرکگور (۱) (Soren Kierkegaard Aabye) در کپنهاک دانمارک در سال ۱۸۱۳ میلادی متولد شد. پدرش سخت متدین بود. جوانی اش در انزوا و دل‌مردگی گذشت، زیرا مادر، تمام خواهران و دو تن از برادرانش را تا قبل از بیست سالگی از دست داد. به خاطر هوش و استعداد سرشارش توانست طی مدت هفت سال در دانشگاه الهیات، علم و هنر بخواند و مورد تشویق و تقدیر قرار گیرد. در اواخر دوران دانشگاه، انتقاد از مسیحیت را آغاز کرد. در سال ۱۸۴۱ نامزدیش را با وجود عشقی که به «ریجین السن» داشت، بر هم زد و اصلاً ازدواج نکرد. از آن پس بیشتر می‌نوشت. در مدت ده سال، بیش از دوازده اثر مهم فلسفی نگاشت:

۱ - یا [این] / یا [آن]، (۱۸۴۳)

۲ - دو بحث آموزنده (۱۸۴۳)

۳ - ترس و لرز (۱۸۴۳)

۴ - تکرار (۱۸۴۳)

۵ - پاره‌های فلسفی (۱۸۴۴)

۶ - مفهوم اضطراب (۱۸۴۴)

۷ - مراحل زندگی (۱۸۴۵)

۸ - آخرین پی‌نوشت غیر علمی (۱۸۴۶)

۹ - دوران زندگی (۱۸۴۶)

۱۰ - صفای دل (۱۸۴۷)

۱۱ - آثار عشق (۱۸۴۷)

۱۲ - دیدگاه من از این لحاظ که مؤلفم (۱۸۴۸)، (۲)

کرکگور به خاطر حملات مکرر به کلیسای دانمارک و نزاع و مشاجره‌ای که راه انداخت، در اواخر عمرش مورد استهزا و تحقیر واقع شد، به طوری که بر مرگش (در ۱۸۵۵) چندان تأسف نخوردند. وی و اندیشه‌هایش را نباید متعلق به قرن نوزدهم دانست، زمان او در قرن بیستم فرارسید. آثارش در این قرن شهرت یافت و ترجمه شد؛ ابتدا به زبان آلمانی و سپس به سایر زبانهای مهم اروپایی. در نیمه اول قرن بیستم، ده کتاب مستقل و ۳۶ مقاله به زبان انگلیسی درباره او نوشته شد (۳) و دو مجموعه ۲۰ و ۲۶ جلدی از آثارش به زبان اصلی فراهم آمد. (۴) وی بر الهیات پروتستان و اگزیستانسیالیسم تأثیرات زیادی داشت. حتی برخی او را «بزرگترین متکلم پروتستان قرن نوزدهم» لقب داده‌اند. برخی ممکن است گمان کنند وی فیلسوف یا لااقل فیلسوف دین است، اگر معنای «فیلسوف» به دقت واریسی شد، نمی‌توان او را فیلسوف دانست.

وی ویژگی و مشخصه اصلی مسیحیت، یعنی تثلیث، را نا معقول و پوچ (absurd) می‌دید (۵) و آن را مشکلی حل نداشتند. متناقض می‌دانست. میان کار عقل و کار ایمان تفاوت دید، و یقین را به حوزه عقل وا گذاشت و کار ایمان را «تصمیم» دانست؛ تصمیمی اصیل و سرنوشت ساز، که در تمام حیات بشر چیزی به پایه آن نمی‌رسد. ایمان نوعی مخاطره است و لحظه انتخاب مطلق، جاودانه می‌ماند. یا این سو را باید برگزید و یا آن سو را.

مسیحیت نیز در نظر او تعریف جدیدی یافت: دخالت در زندگی عقلانی و اعلان جنگ با اندیشه. این معنا بخوبی در کتاب ترس و لرز (Fear and Trembling) به نمایش گذاشته شده است. داستان مأموریت ابراهیم در ذبح فرزند (اسماعیل، بنابر روایات اسلامی. و اسحاق، بنابر روایات عهد عتیق) مثل اعلامی تقابل عقل و ایمان است.

به گفته کرکگور، ابراهیم را نمی‌توان درک کرد. منظورش این است که عقل حسابگر نمی‌تواند تناقض (ادعایی) موجود در عمل ابراهیم را حل کند. اما ابراهیم فهمیدنی است، و تصریح می‌کند که باید با مقوله دیگری غیر از عقل، او را فهمید. در ترس و لرز به این نکته تصریح نمی‌کند که آن «مقوله دیگر» چیست، اما چه کسی است که «ایمان» را بدلیل مورد نظر کرکگور نیابد. (۶)

اگر بخواهیم از میان آثار کرکگور سه تای آنها را برگزینیم، ترس و لرز یکی از آنها خواهد بود. شاید آن دو تای دیگر را هم بتوان یا یا [این] / یا [آن] و آخرین پی‌نوشت غیر علمی دانست. تا کنون دست کم سه ترجمه از ترس و لرز به زبان انگلیسی صورت پذیرفته است. اولین ترجمه از رابرت پین (Robert Payne) است که انتشارات دانشگاه آکسفورد در سال ۱۹۳۹ چاپ کرد. دومی از والتر لوری (Walter Lowrie) است که در سال ۱۹۴۱ به همت انتشارات پرینستون چاپ شد، و سومی از الستیر هانی (Alstair Hannay) است که در سال ۱۹۸۵ انتشارات پنگوئن آن را چاپ کرد. همین ترجمه سوم به دست آقای دکتر سید محسن فاطمی به فارسی برگردانده شد و در سال ۱۳۷۳ حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی آن را چاپ کرد.

همه می‌دانند که ترجمه نیازمند سه فن است: تسلط بر زبان مبدأ؛ تسلط بر زبان مقصد؛ و سوم تسلط بر موضوع. آنچه از ترجمه فارسی ترس و لرز بر می‌آید این است که مترجم محترم، از دو فن اول چندان بهره‌ای ندارند. البته کرکگور، ادیبی توانمند است و مترجم انگلیسی آن نیز توانسته اثر هنری بر جای بگذارد، از این رو ترجمه این اثر طبعاً مشکلتر است و مترجم باید در هر دو زبان مبدأ و مقصد از توان ادبی خوبی نیز برخوردار باشد. اما از یک نکته که بگذریم، در ترجمه آقای فاطمی مشکلات دیگری وجود دارد که به ویژگی هنری کتاب ترس و لرز ربطی ندارد، بلکه به مسأله درک صحیح متن و انتقال درست معنا به زبان فارسی مربوط است. اشکالات، متعدد و متنوع است و برای رعایت اختصار و دقت در نقد، بر آن شدیم تا ده صفحه از متن فارسی را با متن انگلیسی آن مقابله کنیم. چهار صفحه از ابتدای ترجمه (صفحات ۱۳-۱۶)، سه صفحه از وسط آن (صفحات ۱۱۰-۱۱۲) و سه صفحه آخر ترجمه (صفحات ۱۱۸-۱۲۰) انتخاب شد تا نمونه نسبتاً کاملی از میزان دقت ترجمه در سراسر کتاب باشد.

اینک مواردی را به ترتیب از صفحه ۱۳ می‌آوریم. در هر مورد ابتدا متن انگلیسی (در صورت نیاز) سپس ترجمه آقای فاطمی و سپس نقد یا ترجمه پیشنهادی می‌آید. در این موارد، ترجمه غلط، معادل گذاری نامناسب، ساختار غیر فارسی و حذف در ترجمه وجود دارد که تفکیک آنها را بر عهده خوانندگان می‌گذاریم.

۱- ص ۱۳ سطر ۲-۳ (P.7):

«God said Abraham, go kill me a son. Abe said, Man, you must be puttin me on».

«خداوند به ابراهیم گفت: برو و بخاطر من فرزندان را ذبح کن. ابراهیم گفت انسان تو باید مرا هویدا سازی.» (۷)
در ترجمه «you must be puttin me on» گفته‌اند «تو باید مرا هویدا سازی». معنای درست puttin این است که:

«حتماً جدی نمی‌گویی!» یا: «حتماً شوخی می‌کنی!». در ترجمه «Man» که خطاب به خداوند است آورده‌اند «انسان» و این درست نیست. بهتر بود می‌گفتند «آقا» چنانکه در خطاب به خداوند رایج است گفته شود «آقای من»، مانند «سید» در عربی.

۲- ص ۱۳ سطر ۵-۳ (P.7):

«داستان عهد عتیق از سفر ابراهیم به کوه برای قربانی کردن اسحق بطرق بسیار متنوع و متفاوتی خوانده شده است.» در ترجمه «has been read»، «خوانده شده است» آمده است که در اینجا درست نیست. مراد «فهم و تعبیر» است. دیگر اینکه عبارت، ساختار فارسی ندارد. ترجمه صحیح آن این است:

«داستان سفر ابراهیم به کوه برای قربانی کردن اسحاق، در عهد عتیق، به طرق بسیار متفاوتی فهم و تعبیر شده است.»
۳- ص ۱۳-۱۴ (P.7):

«For a modern consciousness the story is likely to be read as an anti - social parable of destruction and raw power.»

«به نظر یک ذهن آگاه امروزی داستان می‌تواند بعنوان نمونه و مثالی ضد اجتماع از تخریب و نیروی خام مطالعه گردد.» ترجمه صحیح: «احتمالاً انسان امروزی، داستان را تمثیلی ضد اجتماعی، از ویرانگری و قدرت بی رحم، فهم و تعبیر می‌کند.»

۴- ص ۱۴ سطر ۲ (P.7):

«The opening verse of Bob Dylans' song concludes. God said you see me comin, you'd better run.»

«آیه آغازین سرود روحانی باب دایلن (Bob Dylan) اینگونه تمام می‌شود:

خداوند گفت: ابراهیم تو می‌دانی آنچه می‌خواهی را انجام دهی، اما تو مراد در حال آمدن خواهی دید بهتر آن که بگریزی.» ترجمه صحیح و روان این است:

«بند اول شعر باب دایلن (Bob Dylan) اینگونه پایان می‌یابد: خداوند گفت: ابراهیم، هر چه می‌خواهی بکن، ولی [بدان که] بعد مرا خواهی دید که می‌آیم، [آن وقت] بهتر است بگریزی...»

۵- ص ۱۴ سطر ۵-۶ (P.7):

«Faith, obedience, and mercy have here given way to disbelief, arbitrariness, and intimidation.»

«ایمان، بندگی و رحمت در اینجا راه را به بی‌ایمانی استبداد و ارباب داده‌اند.»

ترجمه بهتر یا درست عبارت فوق این است:

«در اینجا ایمان، اطاعت و رحم جای خود را به بی‌ایمانی، بلهوسی و قهر داده‌اند.»

۶- ص ۱۴ سطر ۷ (P.7):

«سفر ابراهیم، هسته مرکزی کتاب ترس و لرز کی‌یرگگارد را تشکیل می‌دهد.»

«هسته مرکزی» که در ترجمه «centrepiece» آمده در اینجا مناسب نیست بهتر بود می‌گفتند «محور اصلی» یا به طور آزادتر «موضوع اصلی» (ترس و لرز) نام کتاب است یا باید با حروف مورب (ایتالیک) چاپ می‌شد (چنانکه نام همه کتابها در متون انگلیسی بدین نحو چاپ می‌شود) و یا با حروف سیاه. همچنین نام سایر کتابها که در مواضع دیگر آمده است. «را تشکیل می‌دهد» سه کلمه که به جای آنها به راحتی می‌توانستند از یک کلمه (است) استفاده کنند:

«سفر ابراهیم، محور اصلی کتاب ترس و لرز کرکگور است.»

۷- ص ۱۴ سطر (P.7):

«But kierkegaard's focus, as oihinally; is on Abraham; Issac is little more than a foil to Abraham's «greatness.»

«اما تأکید کی یرکگارد بر ابراهیم است، اسحاق جلوه‌ای در مقابل بزرگی ابراهیم ندارد.»

«as originally» به معنای «همچون ابتدای کار» یا «همچون گذشته»؛... اصلاً ترجمه نشده است. «اسحاق جلوه‌ای...» ترجمه‌ای کاملاً معکوس از عبارت فوق است. foil معنایی مختلفی دارد که در اینجا به معنای زینت و جلوه‌ای است که به منظور نشان داد چیز دیگر و به تبع آن بیان شده است. مثلاً می توانستند بگویند: «اسحاق فقط عظمت ابراهیم را جلوه گر می سازد.»

۸- ص ۱۴ سطر ۹ (P.7):

«Yet this greatness is not, as in traditional reading, Abraham's willingness to be an instrument of God's omnipotence.»

«مع ذلک این بزرگی آن گونه که در متون سنتی هست، میل ابراهیم برای بودن و سیله‌ای از حضور مطلق خداوند نیست.» ترجمه درست این است: «مع ذلک این عظمت، آن گونه که به طور سنتی فهمیده شده است (یا، بنا به فهم رایج)، اشتیاق ابراهیم به اینکه وسیله [اعمال] قدرت مطلق الهی باشد، نیست.»

۹- ص ۱۴ سطر ۱۱-۱۰ (P.7):

«Kierkegaard's Abraham is grea because of what he suffers in a trial of faith»

«ابراهیم کی یرکگارد بزرگ است بخاطر آنچه او در محکمه و آزمایش ایمان تحمل می کند.»

نارسایی ترجمه و تحت‌اللفظ بودن آن کاملاً مشهود است. ترجمه روانتر جمله فوق این است: «عظمت ابراهیم [در داستان] کرکگور به خاطر رنجی است که در آزمون ایمان تحمل می کند.»

۱۰- ص ۱۴ سطر ۱۴-۱۵ (P.7):

«In impressing us with Abraham's greatness Kierkegaard has a very special purpose.»

«در تأثیر خود بر ذهن ما با مطرح ساختن بزرگی ابراهیم کی یرکگارد مقصودی بسیار خاص دارد.»

غیر فارسی بودن ساخت این جمله، بی‌نیاز از بیان است. ترجمه صحیح آن این است:

«کرکگور از اینکه ما را تحت تأثیر عظمت ابراهیم قرار دهد مقصود خاصی دارد.»

۱۱- ص ۱۴ سطر ۲۰-۲۱ (P.8):

«In this introduction I shall explain these features more fully, indicatong in some detail the background to kierkegaard's writings.»

«در این مقدمه من به شرح این ویژگیها بطور دقیقتر پرداخته و تا اندازه‌ای به تفصیل و جزئیات زمینه نوشته‌های کی یرکگارد و روشن ساختن آنها می پردازم.»

ترجمه روان و قابل فهم عبارت فوق این است: «در این مدخل، این ویژگیها را به صورتی کاملتر شرح می دهم و با اندک تفصیلی زمینه نوشته‌های کرکگور را عرضه می دارم.»

۱۲- ص ۱۴ سطر ۲۲ (P.8):

«**Fear and Trembling** first appeared in copenhagen bookshops on 16 October 1843,

along with a companion work, **Repetition**, and a collection of Edifying Discourse.»

«ترس و لرز برای اولین بار در کتابفروشیهای کپنهاگ در ۱۶ اکتبر سال ۱۸۴۳ همراه با کتاب راهنمای تکرار (repetition) و مجموعه‌ای از مباحث تهذیبی و اخلاقی (edifying discourses) ظاهر گشت.»

ترجمه پیشنهادی: «ترس و لرز اولین بار در کتابفروشیهای کپنهاگ در ۱۶ اکتبر ۱۸۴۳، همراه با کتاب تکرار (Repetition) و مجموعه «مباحث آموزنده» (Edifying Discourses) عرضه شد.»
۱۳- ص ۱۵ سطر ۷-۹ (P.8):

«Since it does call itself a lyric, however, we would certainly expect its author to want his handiwork to be judged at least partly by such standards.»

«اما از آنجا که خود آن را غزل می‌نامد، محققاً از مؤلف آن انتظار می‌رود تا بخواهد کار خود را حداقل تا اندازه‌ای بر حسب چنین معیارهایی مورد ارزیابی قرار دهد.»

ترجمه غلط است، زیرا انتظار نمی‌رود که خود مؤلف کارش را ارزیابی کند بلکه دیگران کار او را ارزیابی می‌کنند. ترجمه صحیح این است:

«اما از آنجا که خود آن را غزل می‌نامد، یقیناً از سراینده آن انتظار می‌رود که بخواهد اثرش لااقل تا حدی بر حسب چنین معیارهایی مورد داوری قرار گیرد.»
۱۴- ص ۱۵ سطر ۱۲-۱۴ (P.8):

«Misconceived because, far from being a mere vehicle for literary expression, their themes are very obviously the author's main concern throughout, and...»

«سوء استنباط زیرا به جای اینکه وسیله‌ای صرف برای بیانی ادبی باشند موضوعات آنها آشکارا، علاقه اساسی و عمده مؤلف را تماماً تشکیل می‌دهند و...»

ترجمه‌ای نارسا و نامفهوم و گرته برداری شده از ساخت انگلیسی است. ترجمه درست این است: «ناشی از سوء فهم است، زیرا درونمایه این آثار، صرف یک وسیله برای بیان ادبی نیستند بلکه، به وضوح هر چه تمامتر دلمشغولی عمده (یا علاقه اصلی) مؤلف در همه جاست.»
۱۵- ص ۱۵ سطر ۱۷-۲۰ (P.8):

«Frustrating because unless the reader gets a firm hold of the theme and its not always immediately transparent ramification, much of the work will defy the kind of immediate recognition of meaning on which literary presentation depend.»

«دلسرد کننده زیرا اگر خواننده موضوع را بطور دقیق در نیابد و شعب و انشعابهایی که کاملاً آشکار و همیشگی نیستند را درک نکند، قسمت اعظم اثر فوق شناسای فوری معنایی که به آن «ارائه ادبی» بستگی دارد را دشوار یا محال خواهد کرد.»
دو مورد «را»ی سرگردان، اسناد غلط (در مورد شناسایی فوری...) و بدون گزاره گذاشتن «دلسرد کننده» و موارد دیگر موجب «سوء فهم» و «نیز دلسردی» خواننده این ترجمه است. ترجمه صحیح این است:

«موجب دلسردی است، زیرا اگر خواننده درک دقیقی از درونمایه و متفرعات آن، که همیشه فوراً آشکار نمی‌شوند، نداشته باشد، آن نوع شناخت فوری معنا که اثر ادبی وابسته به آن است، در بخش اعظم اثر ممتنع می‌شود.»
۱۶- ص ۱۶ سطر ۳-۶ (P.9):

In a more general way it is, in kierkegaard's terms, also to treat life itself as a repository of

objects of longing or loathing, as well as deojrees of lesser affect in between, in short as a pool of goods (of whatever kind) to be secured adn the lack of them avoided.»

«بصورتی کلی تر، در اصطلاحات مورد استعمال کی یرکگارد، زندگی به عنوان مخزن و منبعی از امور در حال اشتیاق یا تنفر و نیز درجاتی با تأثیر کمتر مورد بحث قرار می‌گیرد. بطور خلاصه، بمثابه اقیانوسی از خوبیهاست (از هر نوع) که باید مورد حفاظت قرار گرفته و عدم آنها مورد اجتناب واقع شود. (از نبودن آنها جلوگیری شود).»

در ترجمه این جمله، چند اشتباه وجود دارد؛ مانند «اقیانوسی از خوبیها» در ترجمه «pool of goods»، «امور در حال اشتیاق یا تنفر» در ترجمه «objects of longing or loathing» و «تأثیر» در ترجمه «affect» (affect در حالت فعلی به معنای تأثیر گذاردن می‌آید، اما حالت اسمی آن به معنای احساس یا عاطفه است). ترجمه درست این است: «به نحوی کلی تر باید، به گفتگو کرکگور، خود زندگی را منبع اشتیاق‌انگیز و یا تنفرزا و نیز منبع اموری که درجات خفیفتری از عاطفه میان اشتیاق و تنفر را موجب می‌شوند، تلقی می‌کنیم، خلاصه باید آن را همچون انباری از کالاها (از همه نوع) دانست که باید حفاظت شوند و از نابود کردنشان اجتناب گردد.»

۱۷- ص ۱۶ سطر ۲-۱۳ (P.9):

In his major dialectical work, Enclududing Unscientific Postscript, Kierkegaard describes a person...»

«در اثر دیالکتیکی عمده خود ذیل نامه غیر علمی پایان پرنده کی یرکگارد فردی را توصیف می‌کند که...» ترجمه صحیح: «کرکگور در اثر جدلی بزرگ خود، آخرین پی نوشت غیر علمی فردی را توصیف می‌کند که...»

۱۹- ص ۱۱۰ سطر ۷ (P.75):

«... will be little helped by being barn into the most enlightened age.»

«... با قرار گرفتن در درخشانترین دوره، کمک کمتری دریافت خواهد کرد.»

مفهوم این ترجمه این است که اگر درخشانترین دوره قرار نگیرد کمک بیشتری دریافت می‌کند. در حالی که خلاف مقصود نویسنده است. ترجمه صحیح این است: «به دنیا آمدن (یا قرار گرفتن) در روشن‌گرانه‌ترین زمانها، کمک چندانی به او نخواهد کرد.»

۲۰- ص ۱۱۰ سطر ۱۵ (P.75):

«; but then comes the marvel,»

«اما به دنبال آن اعجاب پدیدار می‌شود»

ترجمه صحیح: «اما در پی آن، امر عجیب رخ می‌دهد،»

۲۰- ص ۱۱۰ سطر ۱۹-۲۰ (P.75):

The absurd is not one distinction among others embraced by understanding. »

«نامعقول به معنای یک تمایز میان سایر تمایزات که درک و فهم، آن را محصور و گنجانیده است نمی‌باشد.»

«که درک و فهم آن را محصور و گنجانیده است...» یعنی چه؟! از این گذشته، distinction در اینجا، به معنای «وصف»، «کیفیت»، «خصیصه» و امثال اینهاست. ترجمه صحیح: «امر نامعقول از آن کیفیتهایی نیست که قوه و اهامه آن را درک کند.»

«نامعقول» صفت است، ولی The absurd اسم است و برای اینکه اسم بودنش ظاهر شود باید لفظی مانند «امر» قبل از «نامعقول» آورده شود.

۲۱- ص ۱۱۰-۱۱ (P.75):

«; but then accepting that [possibility] is at the same time to have given it up, yet for the understanding there is no absurdity in possissing it,...»

«اما بعد از آن، پذیرش اینکه [امکان] در عین حال، تسلیم و دست کشیدن است، با این وجود برای ذهن و درک، هیچ جنبه نامعقولی در تملک و در اختیار گرفتن آن نیست...»

ترجمه نامفهوم و نادرست است. ترجمه صحیح: «اما در این صورت، پذیرش آن [امکان] در عین حال به معنای دست برداشتن از آن است، با این حال برای ما همه، نامعقول نیست که آن را داشته باشد...»
۲۲- ص ۱۱۲ سطر ۳-۴ (P.76):

«Her certainty does not dare look the impossibility the eye in the pain of resignation. »

«حتمیت و اطمینان او جرأت آن را ندارد که غیر ممکن را در نظر و در رنج تسلیم بنگرد.»
ترجمه صحیح: «یقینش چنان نیست که جرأت کند به قیمت درد [حاصل از] تسلیم در امر ممتنع خیره بنگرد.»
۲۳- ص ۱۱۲ سطر ۱۱-۱۳ (P.76):

«But at least I can see this, that the young girl's conviction is mere frivolity compared with a faith that is unshakeable even when it sees the impossibility. »

«اما حداقل می توانم این را ملاحظه کنم، اینکه اعتقاد یک دختر جوان صرفاً به گونه‌ای بی معنا و سبکسرانه با ایمان مقایسه می شود ایمانی که حتی هنگام ملاحظه غیر ممکن تزلزل ناپذیر است.»
ترجمه صحیح:

«اما دست کم، این مطلب را می فهمم که اعتقاد آن دختر جوان در مقایسه با ایمانی که حتی هنگام کشف امتناع، تزلزل ناپذیر است، بازیچه‌ای بیش نیست.»
۲۴- ص ۲۱۸ سطر ۱۱-۱۲ (P.145):

«...no generation begin ogher than at the begining, the task of no later generation is shorter than its predecessor's,... »

«... هیچ نسلی نمی تواند شروعی جز از ابتدا داشته باشد، وظیفه هیچ نسل بعدی کوتاهتر از وظیفه پیشینیان و نسلهای پیشین نیست و...»

ترجمه صحیح: «... هیچ نسلی جز از ابتدا آغاز نمی کند، وظیفه هیچ نسل، متأخری، کمتر از وظیفه نسل متقدم نیست...»
۲۵- ص ۲۱۸ سطر ۲۲-۲۴ (P.146):

«... to occupy the position th which only the spirit that governs the world, and which has the endurance not to grow weary, isentitled. »

«... جایی را اشغال می کنند که تنها معنویت و روان که بر جهان حاکمیت دارد و تحمل خسته نشدن را دارد، در یانزمنیه محق است و نسبت به او حق دارد.»

ترجمه صحیح: «... مقامی را احراز می کنند که فقط سزاوار آن روحی است که بر جهان حاکمیت دارد و خستگی پذیر نیست.»

۲۶- ص ۲۱۹ سطر ۲۳-۲۴ (P.76):

«...even for one who fails to come as for as fith,»

«... حتی برای کسی که از آمدن تا مرحله ایمان عاجز می ماند...» ترجمه درست: «... حتی برای کسی که ایمان ندارد»

«... and yet all that disciple wanted was to be a disciple of Heraclitus who went further, not back to what Heraclitus had abandoned.»

«... و مع ذلک همه آنچه آن شاگرد در پی آن بود، شاگرد بودن هراکلیتوس بود که پیشتر رفت به آنچه هراکلیتوس از آن دست کشیده بود، بازنگشت.»

ترجمه صحیح: «... و با این حال آن شاگرد تمام هم و غمّش این بود که شاگردی برای هراکلیتوس رها کرده بود، باز نگردد.»

۲۸- موارد دیگری از اشکالات هست که بیشتر به معادل گذاری در مقابل کلمات یا عبارات کوتاه مربوط می شود، و از باب نمونه، به برخی از آنها اشاره می شود: (رجوع کنید به جدول شماره ۱)

در این ده صفحه دقیقاً شصت مورد تکرار در معادل گذاری برای یک کلمه وجود دارد. حدود ده مورد آن را می توان پذیرفت. چرا که در پاره ای موارد برای رساندن مقصود چاره ای جز این نیست. مثلاً کلمه «read» در این متن از آن مورد است. مقصود از آن در اینجا صرف خواندن یا فهمیدن یا تعبیر کردن نیست؛ بلکه هم فهم، هم تعبیر و هم خواندن مراد است. بنابراین در ترجمه پیشنهادی «فهم و تعبیر» را آوردیم (زیرا فهم و تعبیر یک متن، مستلزم خواندن آن هم هست). بنابراین، پنجاه مورد از این تکرارها زائد است. برای نمونه، در همین جا به چند مورد اشاره می کنیم: (رجوع کنید به جدول شماره ۲)

البته باید توجه داشت که این ایراد، اشکالی اساسی در ترجمه نیست و معنا را تغییر نمی دهد. بلکه از زوایدی است که بهتر بود از آن پرهیز می شد.

در مجموع می توان گفت اشتباهات این ترجمه بر دو دسته اند:

۱- اشکالات جدی و غیر قابل اغماض: از قبیل ترجمه غلط (۱۸ مورد) به کارگیری معادل نامناسب (۱۳ مورد)، ساختار غیر فارسی (۱۴ مورد)، حذف در ترجمه (۴ مورد)، و سایر اشکالاتی که در شماره ۲۸ ذکر شد (۱۴ مورد از آنها از این قسم است) که در مجموع این ده صفحه، ۶۳ مورد می شود؛ و به تناسب مجموع صفحات ترجمه (۲۲۰ صفحه) می توان حدس زد که در کل کتاب حدود ۱۳۸۶ غلط وجود دارد.

۲- اشکالات قابل اغماض از قبیل جداسازی نادرست بندها (۳۵ مورد)، روان نبودن ترجمه و طولانی شدن جملات و... (۵ مورد)، تکرار بی فایده در معادلها (۵۰ مورد) و شش مورد از اشکالات شماره ۲۸ که در مجموع این ده صفحه، ۹۶ مورد می شود و به تناسب صفحات کتاب می توان حدس زد که در کل کتاب حدود ۲۱۱۲ اشکال از این دست وجود دارد.

جدول شماره ۱

ص	س	عبارت انگلیسی	ترجمه آقای فاطمی	ترجمه پیشنهادی
۱۴	۱۱	trial	محک و آزمایش	آزمون
۱۴	۱۳	in a very radical way	بگونه‌ای بسیار اساسی و ریشه‌ای	به نحو کامل
۱۴	۱۸	Polemical	مجادله‌آمیز و مباحثه‌ای	به نحو کامل
۱۵	۱۰	Products	محصول و ثمره	محصول
۱۵	۱۷	ramifications	شعب و انشعابها	شاخه‌ها
۱۵	۲۰	aesthetic	زیباگرایی و زیبایی شناسی	زیبایی شناختی
۱۶	۷	life	زندگی و حیات	زندگی (یا حیات)
۱۶	۱۷	conflict	تضاد و تنازع	تعارض
۱۶	۲۲	suitable	مناسب و شایسته	مناسب
۲۱۸	۲۲	spirit	معنویت و روان	روح
۲۱۸	۲۳	is entitled	محق است و حق دارد	سزاوار است
۲۱۹	۴	worries	نگران... است و به آن می‌اندیشد	در اندیشه... است
۲۱۹	۱۳	good - natured	ملایم و مهربانانه	دوستانه
۲۲۰	۱۰	ancient	دیرینه و کهن	کهن (یا دیرپای یا دیرینه)

جدول شماره دو

ص	س	عبارت انگلیسی	ترجمه آقای فاطمی	ترجمه پیشنهادی
۱۴	۱۹	involved in the story	داستان درگیر آن است	در داستان وجود دارد (یا منظوری است)
۱۵	۶	largely	تا اندازه بسیار زیادی	عمدتاً
۱۵	۷	artistic development of a literary	گسترش هنری قریحه‌ای ادبی	تحول هنری قریحه ادبی
۱۵	۱۵	The author's chosen way	شیوه برگزیده شده از جانب مؤلف	مذهب مختار مؤلف
۱۵	۲۲	his characterization of a way	توصیف او پیرامون روشی	توصیف او از روشی یا (درباره روشی)
۱۵	۲۴	is treated aesthetically	بصورت زیبایی‌شناسانه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد	زیبایی‌شناسانه تلقی می‌شود
۱۶	۱	its tendency to attract or repel you	گرایش که جهت جذب یا ایجاد تغییر در شما برخوردار است	گرایشی که به جذب یا دفع شما دارد
۱۶	۲۱	about	پیرامون	درباره (یا مربوط به)
۱۶	۲۲	expression	مطلب	تعبیر
۱۱۰	۱۴	content	چهارچوب	محتوای مضمون یا درونمایه
۱۱۰	۱۶	more wonderful than anything else	اعجاب‌انگیز از هر چیز دیگر	عجیب‌تر از هر چیز دیگر
۱۱۲	۲	how to make movements	چگونگی ایجاد حرکت	طرز عمل
۱۱۲	۵	I can see	می‌توانیم ببینیم	(در اینجا) می‌توانم بهمم [یا: می‌فهمم]
۱۱۲	۱۷	The infinite movement of resignation	حرکت نامتناهی تسلیم	تسلیم بی قید و شرط
۱۱۲	۱۹	to sell at a bargain price	آن را با چانه زدن بفروشد	آن را به ثمن بخش بفروشد (یا ارزان بفروشد)
۲۱۸	۵	has no task...	هیچ وظیفه‌ای... را همراه ندارد	هیچ وظیفه‌ای... ندارد
۲۲۰	۱۲	Diana	داینا	دیانا
۲۲۰	۱۹	doctrine	دکترین	آموزه یا عقیده

این همه، جدا از اشکالات فروان ویراشی است، که در سراسر کتاب به چشم می خورد. آنچه مایه تعجب است، این است که چگونه حوزه هنری سازمان هنری سازمان تبلیغات، چنین بی دقتی بزرگی کرده است. از چنین سازمانی انتظار می رود که در مصرف هزینه ها سخت گیری های مطلوبی داشته باشد و به نحو احسن، از امکانات موجود، در راه تقویت بنیه فرهنگی کشور استفاده نماید. امید است این ترجمه، تنها استثنا در میان کارهای خوب آنها باشد و مترجم محترم نیز در آینده توفیق یابد که ترجمه های صحیح و خوبی به جامعه فرهنگی عرضه کند. در پایان باید اذعان کرد که توضع مترجم محترم، قابل ستایش است، که خود در مقدمه چنین گفته است:

«مترجم در برگرداندن کتاب از انگلیسی به فارسی، برخی مطالب مربوط به نکات دستور فارسی را نه از روی مسامحه بلکه به عمد نادیده گرفته است از بیم آنکه مبادا وفاداری به متن از بین برود [البته رسم وفا چنین نیست]، هر چند اگر فرهیختگان ظریف بین به این امر همت می گماردند، بسیاری از نقایص و کاستیهای موجود در این ترجمان از میان می رفت.»

یادداشتها

۱) کرکگور به صورت دیگری نیز در فارسی نوشته شده است: کرکگور، کیرکگارد، کی یر کگارد ولی تلفظ صحیح آن در زبان دانمارکی کرکگور است.

۲) مشخصات کتابشناسی این ۱۲ اثر به اضافه حدود ۱۷ اثر دیگر کرکگور که تا سال ۱۹۴۶ به انگلیسی ترجمه شده اند به نقل از کتاب: «Robert A Keirkegaard Anathology, edieted Bretall by» چنین است:

کتابهای ترجمه شده به زبان انگلیسی از کرکگور تا سال ۱۹۴۶

1. L.M. Hollander, **Selections from the Writings** of Kierkegaard. 239 pp. University of Texas Bulletin No, 2326. 1932.
2. **The Diary of a sedueer** (from "Dither/ Or", Vol.1), translated by Knud Fick. 173 pp. The Dragon press (Ithaca, N. Y.). 1935.
3. **Philosophical Fragments**, translated and with an introduction by David F. swenson. 105 pp. Princeton University press. 1936.
4. **The Journals of Soren Kierkegaard: A Selection**, edited and tranlated by Alexander Dru. 603 pp. Oxford University pres. 1938.
5. **Purity of Heart is to Will One Thing: Spiritual Preparaction** for the Feast of Confession (Part One of "Edifying Discourses in Varions Spritis"). Translated and with an introducton by Douglas V. streere. 207 pp. Harper's 1938.
6. **Purify your Hearts!** (same work as above.0 Translated by A. S. Aldworth and W.S.Ferrie. 179 pp. Daneil (London). 1938.
7. **The Point of View for My Work as an Author** (including "Two Notes about The Individual" and and "On My Work as an Author). translated by Walter Lowrie, 174 pp. Oxford. 1939.

8. ***Fear and Trembling***, translated by Robert Payne. 192 pp. Oxford. 1939. (See also No. 13.)
9. ***The Present Age*** (latter part of "A Literary Review") and "Two Minor Ethico - Religious Treatises", translated by Alexander Dru and Walter Lowrie. 163 pp. Oxford. 1940.
10. ***Christain Discourses*** (including "Discourses about the Lileis and the Birds," "The High Priest - The Publican - The Woman that Was a Sinner"), translated by Walter Lowrie. 309 pp. Oxford, 1940. (See also No. 17.)
- 11 - ***Stages on Life's Way***, translated by Walter Lowrie, 472 pp. Princeton. 1940.
12. ***For Self - Examination***, translated by Edna and Howard Houg, Augsburg. 1940. (See also No. 20.)
13. ***Fear and Trembling***, translated by Walter Lowrie. 209 pp. Princeton. 1941.
14. ***Repetition***, translated by Walter Lowrie. (With an essay, "How Kierkegaard Got into English", By W.L.) 200 pp. Princeton. 1941.
15. ***Thoughts on Grucial Situations in Human Life: Three Discourses on Imagined Occasions.*** translated by David F. Swenson. 117 pp. Augsburg Publishing House (Minneapolis). 1941.
16. ***The Sickness unto Death***, translated by Walter Lowrie, 231 pp. Princeton by A.S.Aldworth and W.S. Ferrie. Daniel (London). 1941.
18. ***Concluding Unscientific Postscript to the "philosophical Fragments"***, translated by David F.Swenson; completed and edited by Walter Lowrie. 579 pp. Princeton University Press and American - Scandicavian Foundation. 1941.
19. ***Training in Christianity*** (and the Edifying Discourse which accompanied it), translated by Walter Lowrie. 275 pp. Oxford, 1941; Princeton, 1944.
20. ***For Self - Examination and Juge for Yourself!***
21. ***The Gospel of Sufferings*** (Part III of "Edifying Discourses idn Various Spirits"). Translated by A.S.Aldworth and W.S. Ferrie. Daniel (London). 1942.
22. ***Edifying Discourses Volume I.*** Translated by David F. Swenson and Lillian Marvin Swenson. Augsburg. 1943
23. ***Edifying Discourses Volume II.*** Translated by David F. Swenson and Lillian Marvin Swenson. Augsburg. 1944.
24. ***Either/Or.*** a Fragment of Life. Volume I translated by David F. Swenson and Lillian Marvin Swenson; Volume II translated by Walter Lowrie. 387 pp, 304 pp. Princeton. 1944.
25. ***The Concept of Dread***, translated by Walter Lowrie. 154pp. Princeton 1944.
26. ***Kierkegaard's Attack upon "Chrirndom"***, translated and with an introduction by

Walter Lowrie. 303 pp. Princeton. 1944.

27. **Edifying Discourses Volume III**. Translated by David F. Swenson and Lillian Marvin Swenson. Augsburg. 1945.

28. **Edifying Discourses Volume IV**. Translated by David F. Swenson and Lillian Marvin Swenson. Augsburg. 1946.

29. **Works of Love**, translated by Lillian Marvin Swenson. 330 pp. Princeton. 1946.

۳- مشخصات این کتابها و مقالات به ترتیب از همان منبع نقل می شود:

کتابهای انگلیسی درباره کرکگور

1. Francis W. Fulford, **Soren Aabye Kierkegaard: A Study**. 75 pp. Privately Printed, 1908 (?).

2. E.L. Allen, **Kierkegaard**. His Life and **Religious Teaching**. 160 pp. London. 1935.

4. Th. Haecker, **Soren Kierkegaard**. Translated from the German by Alexander Dru. 67 pp. Oxford. 1936.

5. Eduard Geismar, **Lectures on the Religious Thought of Soren Kierkegaard**; With an Introduction by David F. Swenson. 147 pp. Augsburg. 1937.

6. Walter Lowrie, **Kierkegaard**. 636 pp. Oxford. 1938.

7. M. Channing - Pearce, **The Terrible chrysal: Kierkegaard and Modern Christianity**. 250 pp. Kegan Paul. 1940.

8. W.T. Riviere, **A Pastor Looks at Kierkegaard**. 231 pp. Zondervan (Grand Rapids, Mich). 1941.

9. Walter Lowrie, **A Short Life of Kierkegaard**. 271 pp. Princeton. 1942

10. David F. Swenson, **Something About Kierkegaard**. 1941. and 1945.

فهرست مقالات انگلیسی درباره کرکگور در نشریات ادواری

1. Eduard Geismar, "Soren **Kierkegaard**" in **American - Scandinavian Review** 17:591 (Oct. 1929).

2. Jean Wahl. "Hegel et Kierkegaard" in **Revue Philosophique** 112:321 - 380 (Nov. 1931).

3. G. Cattani, "Bergson, Kierkegaard and Mysticism" (translated by Alexander Dru) in **Dublin Review** 192: 70-78 (Jan. 1933).

4. K.F. Reinhardt, "Cleavage of Minds: Kierkegaard and Hegel" in **Commonweal** 24: 523-524 (Oct. 2, 1936).

5. E.L. Allen, "Pascal and Kierkegaard" in **London Quarterly Review** 162:150-164 (April 1937).

6. W.G. Moore, "Kierkegaard and His Century" in **Hibbert Journal** 36: 568-582 (July 1938)

7. F.Brandt, "Ce Qu'il y a de Religieux dans les Oeuvres de Soren Kierkegaard" in **Revue Philosophique** 126: 257-277 (Nov. 1938)
8. J.C. Mantripp, "Soren Kierkegaard" in **London Quarterly Review** 164:237-243 (April 1939).
9. Henry Nelson Wieman, "Interpretation of Christianity" in **Christian Century** 56: 444-446 (April 5, 1939).
10. W.T. Riviere, "Introducing Kierkegaard" in **Christian Century** 56:1164 - 116 (Sept. 27,1939).
11. R.W. Bretall, "Kierkegaard: a Critical Survey" in **The Examiner** Vol. II, No. 4 (Autumn 1939).
12. V. A. Demant, "S.K.:Knight of Faith" in **Nineteenth Century** 127:70-77 (Jan. 1940)
13. J.S. Bixler, "The Contribution of Existenz - Philosophie" in **Harvard Theological Review** 33:35-63 (Jan. 1940).
14. John Wild, "Kierkegaard and Classical Philosophy" in **Philosophical Review** 49:536-551.
15. R.M. Pope, "Impression of Kierkegaard" in **London Quarterly Review** 166-17-24 (Jan.1941).
16. H. A. Reinhold, "S.K., Great Christian of the 19th Century" in **Commonweal** 35:608-611 (April 10, 1942).
17. Paul Tillich, "Kierkegaard in English" in **American-Scandinavian Review** 30-254-257 (Sept. 1942).
18. O.F. Kraushaar, "Kierkegaard in English" in **Journal of Philosophy** 39: 561-583, 589-607 (Oct. 8. and 22, 1942).
19. Karl Lowith, "On the Historical Understanding of Kierkegaard" in **Review Religion** 17:227-241 (March 1943).
20. Norbert Guterman, "Kierkegaard and his Faith" in **Partisa Review**, March- April 1943.
21. Philip Merlan, "Toward the Understanding of Kierkegaard" in **Journal of Religion** **23:77-90 (April 1943).**
22. E.M. Manasee, "Conversion and Liberation: a Comparison of Augustine and Kierkegaard" in **Review Religion** 17: 361-383 (May 1943).
23. M. Channing - Pearce, "Repetition: a Kierkegaard Study" in **Hibbert Journal** **41 361-364 (July 1943).**
24. J. Durkan, "Kierkegaard and Aristotle: a Parallel" in **Dublin Review** 213-136-148 (Oct. 1943).

25. G.O.Griffith, "Kierkegaard on Faith: a Study of *Fear and Trembling*" *hin Hbbert Journal* 42:58-63 (Oct. 1943).
26. Paul Tillich, "Existential Philosophy" in *Journal of the History of Ideas* 5:44-70 (Jan. 1944).
27. W.H. Auden, "A Preface to Kierkegaard" in *New Republic* 110: 683-684 (May 15, 1944).
28. Douglas V. Steere, "Kierkegaard in English" in *Journal of Reigion* 24: 271-278 (Oct. 1944).
29. G.E. Nicholson, "A Dramatic Approach th Christianity" in *Christendom* 9: 462-475 (Autumn 1944).
30. E.M. Dodd, "Kierkegaard and Schweitzer: an Essay in Comparison and Contrast" in *London Quarterly Review* 170: 148-153 (April 1945).
31. P.L. Holmer, "Kierkegaard, a Religious Author" in *American- Scandinavian Review* 33:147-152 (June 1945).
32. Jean Eahl, "Existentialism: a Preface" in *New Republic* 113: 142-144 (Oct. 1, 1945).
33. D.G. MacRae, "The Danish Malady" in *Life & Lirrers Today* 47: 85-90 (Nov. 1945).
34. Richard Mcheon, "The Philosophy of kierkegaard" in *NewYourk Times Book Review*, Nov. 25, 1945, p.1.
35. M.W. Hess, "Kierkegaard and Isaac Penington" in *Catholic Worle* 162: 432 - 437 (Feb. 1946).
36. Hannah Arent, "What is Existential Phlosophy?" in *Partisan Review* 13: 34-56 (Winte 1946).
4. Kierkegaard, Alstair Hannay, Routledge & Kegan Paul, P. 337.

۵- تفاوت مهم و سرنوشت ساز میان اسلام و مسیحیت در همین مسأله است. سازگار بودن اصول اعتقادی اسلام با عقل و تضاد حال ناشدنی اصیل ترین اصول مسیحیت، با عقل موجب جداسازی سرنوشت این دو دین از جهت تفکر عقلانی است.

6. Kierkegaard, Alstair Hannay, **Routledge & Kegan Paul**, P.89.

۷- این قسمت یک بیت از شعر باب دایلمن به نام «بزرگراه ۶۱» است (نام معروفترین بزرگراه آمریکا میان شرق و غرب آن که همه چیز در آن یافت می شود) و الستیر هانی آن را به طور مجزا از متن و با حروفی ریزتر، مانند عنوان و سرلوحه آورده است و باید مترجم محترم نیز همین کار را می کرد.

۸- ترس و لرز، ص ۱۲.

با مخاطبان

از اقبال و توجه خوانندگان عزیز فصلنامه سپاسگزاریم و امیدواریم همانطور که در بسیاری از نامه‌ها، ما را به ادامه انتشار مجله با کیفیتی خوب توصیه کرده‌اید، بتوانیم دین خود را به اسلام و فرهنگ علمی جامعه ادا کنیم. از میان نامه دو نامه، یکی حوزوی و دیگری دانشگاهی، را برگزیده‌ایم، امید که سود افتد. در انتظار نامه‌ها و مقالات علمی شما هستیم.

سر دبیر محترم فصلنامه حوزه و دانشگاه

با سلام و احترام، ضمن عرض تبریک به شما و همکاران، سومین شماره مجله دریافت گردید از محتوای آن بهره‌مند شدیم، مراتب تشکر و قدرانی گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران را به سایر دست‌اندرکاران فصلنامه ابلاغ فرمایید. به نظر اینجانب این فصلنامه از معدود نشریاتی است که توانسته در این چند شماره رسالت خود را که همان فراهم آوردن و نشر اندیشه‌ها و حاصل تحقیقات اساتید حوزه و دانشگاه در علوم انسانی است به نحو شایسته‌ای تحقق بخشد. اگرچه برخی از مقالات فلسفی و ایدئولوژیک برای ما بی‌بضاعت‌های دانشگاهی کمی سنگین و «دیر هضم» است ولی سعی می‌کنیم از سایر مقالات نظیر مقاله آقای شکرکن، باقری، و... که نزدیکتر به رشته تخصصی ماست، حداکثر بهره را ببریم. در مجموع به نظر همکاران اینجانب نیز فصلنامه از غنای علمی و فلسفی بالایی برخوردار است، پیشنهاد می‌شود حداقل در هر شماره به مصداق از هر چمن گلی در زمینه‌های مختلف مقاله‌ای داشته باشید، حتی اگر ناچار شوید مقاله‌های کوتاهتری را بپذیرید و بدین ترتیب دانشجویان و اساتید رشته‌های مختلف خوانندگان دائمی مجله خواهند بود. امید است این فصلنامه به همت شما و سایر همکاران دفتر، همچنان ادامه یابد و دانشجویان و طلاب حوزه از علوم انسانی بهره‌مند شوند.

با تشکر/محمود ابروآنی/دانشگاه تهران

مدیر محترم فصلنامه حوزه و دانشگاه

با سلام و تحیات، شماره دوم فصلنامه حوزه و دانشگاه را که از باب لطف فرستاده بودید؛ زیارت کردم و انتشار آن را به دست اندرکاران فصلنامه تبریک می‌گویم و توفیق روزافزون سروران عزیز را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال مسألت می‌کنم. در عین سودمندی اکثر مطالب، دو نکته را یادآور می‌شوم: ۱- تلخیص کتاب آقای هانس کونگ متأسفانه ناقص انجام شده و نظرات ایشان در مورد قرآن مجید و وحی که تازه‌ترین و البته مسأله‌سازترین قسمت کتاب برای مسلمانان است در تلخیص مورد توجه قرار نگرفته است و اینگونه تلخیص در واقع تلخیصی نادرست است. ۲- مقاله وحدت حوزه و دانشگاه مقاله‌ای جالب و تحلیلی است ولی آیا ختم کردن تحلیل با این مطلب که دانشگاهیان و متجددان از پایگاه ایدئولوژیک مثلاً با علمای دین به مخالفت برخاستند، این سؤال را پیش نمی‌آورد که قبل از پیدایش این طبقه در ایران نیز علمای دین از پایگاه ایدئولوژیک به حفظ منافع خود در جامعه و تحکیم آن پرداخته بودند؟! و پس از پیدایش این طبقه، نزاع دو گروه از پایگاه ایدئولوژیک در گرفت؟ در این میان تکلیف حقیقت چه می‌شود؟ گرچه مقاله بخشی از واقعیت را به تصویر کشیده است.

با احترام/محمد مجتهد شبستری

آثار رسیده به مجله (تا پانزدهم آذر ۷۴)

- مقاله «زبان، ساختاری بی‌همتا در ارتباطات»، نگارش حسین سماواتیان و سید حمید آتش پور.